



مسعود سپهر
پژوهشگر جامعه‌شناسی سیاسی

نقش مارونوشتن مار

پوپولیس‌م، به پدیده‌ای فراگیر در همه کشورها تبدیل شده است. خاستگاه پوپولیس‌م در جوامع دویپدیده همزمان است. اول مشکلات و بحران‌ها و مسائل پیچیده اجتماعی که بخش عظیمی از جامعه را درگیر خود می‌کند و دوم ضعف احزاب سیاسی و نهاد‌های مدنی و گروه‌های مرجع واجد صلاحیت که قادر به ارائه راه حل منطقی برای آن مشکلات باشند یا در صورت ارائه راه حل عموم جامعه پذیرنده و شنونده آن شود. در چنین موقعیتی رهبران فرصت طلب و مردم انگیز که بتوانند برای آن مشکلات پیچیده راه حل‌های ساده بر مبنای دوقطبی سازی ارائه کنند قادر به بسیج توده‌ای و سوار شدن بر امواج احساسات مردم هستند. مثلاً اگر در کشوری، رکود تورم شدید جامعه را درگیر کرده باشد، ارائه راه حل نیازمند هات تحقیق علمی و مقاله و کتاب و نمودار از سوی کارشناسان و جراحی‌های در دکان اجتماعی باشد، طبیعی است که مردم گرسنه و بی‌کار، طاقت شنیدن و توان فهمیدن و عمل کردن به آنها را ندارند. اگر کسی پیدا شود که با شور و حرارت و قیافه حق به جانب بگوید عامل آن، فلان گروه سرمایه دار از الوصف تو کفر فلان دشمن خارجی است و باید آنها را کشت میلیون هانفر پیرو خواهد یافت. کشور مادر حال حاضر با مشکلات عدیده‌ای دست به گریبان است و طبعاً آمادگی کامل دارد به دامان پوپولیس‌م از هر نوع آن پناه برد و متأسفانه بشدت از ضعف گروه‌های مرجع و اعتماد اجتماعی به نهاد‌های عمومی رنج می‌برد. در چنین شرایطی بستر ظهور معجزات قرن کاملاً مهیاست. برای بسیج توده‌ای و شور انگیزی عمومی، به حماسه و افسانه نیاز



احسان حمیدی زاده
جامعه‌شناس و عضو هیات علمی دانشگاه شیراز

به پناهان در دام

از حیث واژه شناختی، اصطلاح پوپولیس‌م ریشه در واژه پوپولوس لاتینی به معنی مردم دارد. مفهوم پوپولیس‌م در اواخر قرن نوزدهم، برای اولین بار برای توصیف حزب مردم در آمریکا و ناردونیک هادر روسیه به کار رفت. جنبش‌های دهقانی اروپای شرقی و مناطق بالکان در سال‌های بین جنگ جهانی اول و دوم نیز، که طرفدار برنامه‌های اصلاحات و تقسیم مساوی اراضی بین مردم بودند و آن را ستون‌های بنیادی جامعه و اقتصاد می‌دانستند، در زمره جنبش‌های پوپولیستی قرار داشتند.

صاحب‌نظران مختلف جامعه‌شناسی سیاسی، تعاریف متعددی از پوپولیس‌م ارائه و نظریات مختلفی را در خصوص اشکال، زمینه‌های شکل گیری و تبعات آن مطرح ساخته‌اند. برخی آن را، یک تاکتیک برای احزاب مختلف جهت پیشبرد منافع سیاسی در انتخابات ارزیابی می‌کنند که تهدیدی برای دموکراسی ایجاد نمی‌کند. برخی نیز آن را، یک ایدئولوژی مانند ایدئولوژی‌های سیاسی دیگر مانند لیبرالیزم، مارکسیسم و محافظه کاری می‌دانند. از دید مود، پوپولیس‌م یک ایدئولوژی است که جامعه را متشکل از دو گروه همگون و واحد در حال تخصص می‌داند؛ آن هم مردم پاک و بی‌غل و غش در برابر نخبگان فاسد؛ سیاست از دید آنها، بایستی بیان کننده اراده عمومی مردم باشد. کونف، پوپولیس‌م را یک شکل و رویه مدیریت مبارزات انتخاباتی می‌داند که سیاستمداران، موفق به درگیر کردن توده‌ها در سیاست و جلب حمایت آنها از جنبش یا جریان سیاسی‌شان و حفظ این وفاداری می‌شوند. این سیاستمداران، اغلب حسن ناسیونالیستی یا غرور فرهنگی را به هواداران‌شان تزریق و وعده یک زندگی بهتر را به آنها می‌دهند. پوپولیس‌م، مبارزات‌شان را عمدتاً در شهرهای بزرگ انجام می‌دهند، جایی که ده‌ها میلیون نفر با برخورداری از حق رأی عمومی، آن را از طریق صندوق‌های رأی گیری اعمال می‌کنند. کونف پایگاه اجتماعی جنبش‌های پوپولیستی را طبقه کارگر جویای زندگی بهتر و طبقه متوسط شهری تحسین کننده برنامه‌های اقتصادی و کار می‌داند. پوپولیس‌م از معضلات و چالش‌های فراروی دموکراسی در دوره مدرن بوده است. با گسترش حق رأی عمومی و وجود جامعه توده‌ای در برخی از کشورهای غربی، گفتمان‌های سیاسی اقتدارگر در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ توانستند با پایگاه توده‌ای به تأسیس نظام‌های توتالیتر در آلمان و ایتالیا بپردازند. متفکران محافظه کاری هم چون «گوستاو لویون» و «خوزه ارتگا ی گاست» نسبت به ورود توده‌ها به عرصه سیاست بدگمان بودند. بعد ها نظریه پردازان سیاسی، فرآیند نوسازی و جامعه توده‌ای را زمینه‌ساز به قدرت رسیدن نخبگان و جریانات پوپولیست اقتدارگرا و شکل گیری توتالیتریزم بر شمرند.

از حیث شیوه اعمال سرکوب، آلتوسر دستگاه دولت را به دو دسته دستگاه اعمال «سرکوب خشن» و دستگاه اعمال «سرکوب رقیق و ناپیدا» دسته‌بندی کرده است. ارتش، پلیس، دادگاه و

آیا باید منتظر معجزه هزاره سوم دیگری بود؟

است. در این مرحله است که هر فرد و گروه که در فرهنگ عمومی جامعه متولی و راوی افسانه‌ها و حماسه‌های فراگیرتر باشد یا بشود، شانس بیشتری برای بسیج توده‌ای دارد. به عنوان مثال، در بخش اپوزیسیون نظام جمهوری اسلامی، با اندکی دقت در رسانه‌ها و پیام‌های آنها، ملاحظه می‌شود که پروژه پوپولیستی حماسه‌سازی از دوران رونق و شکوه و اقتدار و آزادی پهلوی و ایده آل‌یزه کردن گذشته شاهنشاهی مهم‌ترین راهبرد آنها در جذب پوپولیستی بدنه اجتماعی است.

در درون جناح‌های سیاسی کشور رونق بازار مداحان بی سبب گرم نیست. کافی است حادثه کربلا با توجه به بستر اجتماعی آن از دشت کربلا به زمان و مکان مامنتقل و مشابه سازی شود. همچنین نوعی خاص از نگاه به دین که همه چیز را در دوقطبی‌های بهشتی و دوزخی مؤمن و کافر دوست و دشمن خلاصه و ساده سازی می‌کند، زمینه‌بهرتری برای مردم انگیزی و یافتن پاسخ‌های ساعت به مسائل پیچیده است. از همین رو است که وقتی بخش نوگرا و اصلاح طلب جامعه در هزارتوی عقلانیت و پلورالیسم اسم و دم و موکراسی و ضرورت گفت و گو در پی راه حل‌های علمی و منطقی است دوستان اصولگرا با آوردن نفت بر سر سفره مردم و انداختن همه گناهان به گردن دشمنان خارجی و نفوذی‌های داخلی آنها و فرار به جلو با چند نمایش، می‌توانند بدنه اجتماعی را جذب کنند. اینگونه است که تاکی بیاید و نوشتن مار را به مردم پیاموزد نقش مار کشیده شده و مردم به دنبالش رفته‌اند.

جامعه مدنی چگونه در برابر پوپولیس‌م ایستادگی می‌کند؟

زندان در دسته اول و کلیسا، مدارس خصوصی و دولتی، خانواده، احزاب سیاسی، اتحادیه‌های کارگری، رسانه‌ها، ادبیات و هنر در دسته دوم قرار می‌گیرند.

مباحث آلتوسر خود تا حد زیادی تحت تأثیر اندیشه‌های گرامشی در مورد اشکال دوگانه اعمال قدرت قرار داشت که بر اساس آن قدرت به شکل خشن و عریان از سوی دستگاه قهریه دولت یا به شکل ناملموس و ظرفیت از سوی دستگاه‌های آموزشی، فرهنگی و دینی اعمال می‌شود. در حالی که آنها بیشتر ساز و کارهای ناپیدا و ظرفیت اعمال قدرت و سرکوب را در نظام‌های سرمایه داری پیشرفته بحث کرده‌اند، اما ممکن است زمانی که این شیوه اعمال سرکوب در رژیم‌های اقتدارگرای جهان سومی به کار گرفته شوند با ساز و برگ‌ها و ابزارهای متفاوتی اعمال گردند. در این میان به شکل مشخص می‌توان از ابزارهای پوپولیستی صحبت کرد که بسیاری از رژیم‌های اقتدارگرا با توسل به آنها نوعی سرکوب نرم و ناپیدا را بر ساخت اجتماعی اعمال می‌کنند. تا آنجا که به پوپولیس‌م مربوط می‌شود محققین عموماً آن را پدیده‌ای چندوجهی یعنی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دیده‌اند.

مثلاً پوپولیس‌م از حیث سیاسی دارای رهبری کاریزماتیک، رابطه مستقیم و بی واسطه میان رهبر و توده‌ها، گرایش‌های ضد نخبه گراییانه و ضرورت بسیج سیاسی توده‌هاست. از حیث اجتماعی، پایگاه اجتماعی آن در میان طبقات متوسط، فرودست و حاشیه نشین روستایی و شهری قرار دارد و از حیث اقتصادی مبتنی بر سیاست‌های باز توزیعی و رفاهی به نفع همین طبقات است. وجود جامعه مدنی در هر جامعه‌ای همواره واسطه‌ای بین دولت و مردم است که با عناصر خود مثل احزاب، اصناف، روزنامه‌ها، سمن‌ها و... امکان توده‌ای شدن جامعه و ظهور پوپولیس‌م را می‌گیرد. ضعف یا نبود جامعه مدنی باعث می‌شود که دولت در دوره‌هایی که لازم می‌بیند از پوپولیس‌م در جنبه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی بهره‌برد. شرایط این نوع جامعه بشدت آماده شکل گیری مدیران، مسئولان و سردمداران پوپولیست است و از سوی دیگر مردم و جامعه نیز آمادگی پذیرش چنین افرادی را دارند. دلیل آن این است که در این جامعه همه هنجارها، پندارها و وساختارهای قدیمی فرو می‌ریزد و نوعی بی هویتی به جامعه دست می‌دهد.

هم به لحاظ ساختار اجتماعی و هم به لحاظ ساختارهای ذهنی، جامعه با نوعی بی هویتی روبه رو می‌شود و آن را احساس می‌کند. این جامعه تقریباً به جامعه‌ای فرد فرد تبدیل می‌شود. به این معنا که افراد جامعه به صورت سلول‌های انفرادی عمل می‌کنند که در عین حال که عضو جامعه هستند به صورت انفرادی عمل می‌کنند. در حقیقت مایه توانیم بگوییم که در این نوع از جوامع، افرادی پناهی می‌شوند؛ افرادی که احساس می‌کنند هیچ جایی بند نیستند و هیچ سرپناهی هم از منظر حمایت‌های اجتماعی و هم از لحاظ حمایت‌های سیاسی ندارند.